

تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران؛ مورد پژوهی: منطقه ۱۲

محمد کمیلی* - دانشجوی دکترای جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Performance analysis of identity elements of the urban landscape (Case study of Tehran Central Region 12)

Abstract

Achieving appropriate models to the management of urban spaces and communities according to each society's priorities and needs is one of the approaches of modern societies, in order to update their development models. Considering the advent of modern urban problems such as insecurity, traffic, pollution, congestion and population density, urban alienation and disorientation, and loss of identity due to the improper replication of Western examples, the need for models derived from traditional culture, rituals and religion which can in turn empower the modern city's identity is being felt. Thus it is intended to study: how using the prosperous Iranian and Islamic culture and civilization as well as considering current conditions and challenges, more suitable models for the identity of a city can be proposed? This thesis aims to achieve three main goals of the analysis of aesthetic, functional, and identity values of urban landscape in order to identify and represent visual indicators that could provide a decisive role in identity image of central Tehran. Dissertation research studies the theories and then examines the hypothesis and explains the relationship between phenomena to increase the knowledge about the identity elements, with logical explanations and surveys, in order to accept or reject the survey hypothesis, and analyze the causal (after the event) hypotheses. Finally, this thesis analyzes and summarizes citizens (residents, business owners, workers, staffs, foot-travelers, urban administrators and experts) opinions that result in identifying elements which in their vision are the important aspects of identity of central Tehran. In this thesis, all the elements of identity which are recognized by the citizens of district 12 (which is a historical and central part of Tehran) are considered and classifications based on the view point of different group of people. Finally, the outcome of this research shows how effectively each category of identity elements which are addressed by the citizens is rooting in their cultural, rituals and religious beliefs.

Keywords: urban landscape, urban identity, Islamic Iranian city, 12 Tehran

چکیده

دستیابی به الگوی مناسب مدیریت فضاهای شهری یکی از رویکردهای جوامع بشری امروز است و هر جامعه‌ای بنا به اولویتها و ضرورتهای پیشروی خود در تلاش برای پرورسانی الگوهای توسعه است. با توجه به ظهور مشکلات امروزی در شهرها همچون ناامنی، ترافیک، آلودگی، ازدحام و تراکم جمعیت، از خودبیکانگی و عدم تعلق و نیز از بین رفتن هویت شهرها در اثر کارکردگرایی و الگوبرداری‌های غربی ضرورت توجه به الگوهای نشأت گرفته از فرهنگ‌های سنتی، عرفی و مذهبی بیش از پیش احساس می‌شود ضمن آنکه این رویکرد یکی از راهکارهای توانمندسازی هویت شهرهای امروز نیز به شمار می‌آید. حال باید دید که چگونه می‌توان بر اساس فرهنگ و تمدن غنی ایرانی اسلامی و با در نظر گرفتن شرایط امروزی الگوهای مناسب تری برای هویت بخشی به شهر ارائه داد؟ این مقاله به دنبال دستیابی به سه هدف اصلی یعنی تحلیل ارزشهای زیبایی‌شناختی، ارزش‌های هویت بخش و ارزشهای عملکردی در حوزه منظر شهری است تا بر اساس آن بتوان شاخصهای بصری را که نقش تعیین کننده‌ای در ارائه تصویر هویت بخش از منظر بخش مرکزی تهران دارند، شناسایی و معرفی کرد. روش تحقیق مقاله با توجه به بررسی نظریه‌ها و سپس آزمون فرضیه و تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در زمینه خاص عناصر هویت بخش، با توصیف اسنادی و تحلیل پیمایشی در جهت رد یا قبول فرضیه با کمک روش پیمایشی و توصیفی و تحلیل علی فرضیه‌ها در بوطه آزمایش قرار می‌گیرد (علی یا پس رویدادی). این مقاله نهایتاً به جمع بندی نظرات شهروندان (ساکنین، کسبه، کارگران و کارمندان، رهگذران، مدیران شهری و متخصصین) می‌انجامد که حاصل این جمع بندی و تجزیه و تحلیل دست‌یابی به عناصری است که از دیدگاه ایشان حائز اهمیت در هویت منظر بخش مرکزی تهران به شمار می‌آیند. در این مقاله کلیه عناصر هویت بخش معرفی شده توسط اهالی منطقه ۱۲ که بخش تاریخی و مرکزی تهران نیز به حساب می‌آید، طبقه بندی و از هر طبقه نگرش مردم نسبت به آن استخراج خواهد شد. نهایتاً این مقاله به این نتیجه دست خواهد یافت که هر طیف از عناصر هویت بخش معرفی شده توسط ساکنین تا چه حد در مذهب و الگوهای سنتی و عرفی ایشان ریشه دارد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، هویت شهری، شهر ایرانی اسلامی، منطقه تهران ۱۲

پژوهشی، نگرش صرفاً اقتصادی، عدم توجه به نیازهای حسی شهروندان، نبود نظام مردم سالاری در مدیریت شهری، عملکردهای سلیقه ای، عدم توجه به مشارکت شهروند نبود استراتژی مناسب در هویت بخشیدن به منظر شهری) در سر راه خود می باشد (گرچی، ۱۳۸۵، ص ۶).

از آغاز دهه ۶۰ قرن بیستم تاکنون مفهوم فضای شهری با رجعت به کامپلوسیت، گدس، مامفورد و سایر فرهنگ گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر که در زنده نگه داشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی به این استنباط است که فضای شهری جزئی از ساخت شهر است که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار بوده از حیث فیزیکی دارای بدنه محصورکننده می باشد. این فضا باید واجد نظم و زیبایی بوده و برای فعالیت های شهر سازمان پیدا کند. از سوی دیگر فضای شهری بخشی از ارگانیکم زنده شهر است که با شرایط اقتصادی-اجتماعی و فنی در حال تغییر مرتبط است. محیطی اجتماعی دارد که دربردارنده مجموعه ای از روابط میان مردم است که به مبادله «انرژی، اطلاعات، کالا، مواد، شایعات و ... دست می زنند، با هم ملاقات می کنند، گردهم می آیند» و «اشکال مختلف انسجام اجتماعی را در فضا متبلور می سازند». بنابراین فضای شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با قلب و کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می شود (Coay، ۱۹۶۹: ۲۷-۳۶). به گفته دیوید کانتر، زندگی و تجربه مردم مربوط بینند و به رابطه بین مردم، فعالیت های آنان و فضاهایی که خلق می کنند و یا در آن سکونت می کنند ناظر باشند (Canter، ۱۹۸۸: ۲۵). آکادمی علوم شهری انگلستان در کتابی با عنوان هویت شهری، آموزش محلی به مسئله هویت شهر و شخصیت شهروندان پرداخته و از تحمیل قواعد توسط شرکت های چند ملیتی انتقاد کرده است و آنرا دامی برای ازبین رفتن هویت و نقش برجسته معماران محلی می داند. این کتاب در پنج فصل نظرات متخصصان

نابسامانی و اغتشاش سیما و منظر شهرهای معاصر ایران به ویژه تهران واقعیتی پذیرفته شده توسط مسئولین، حرفه مندان، صاحب نظران و عامه مردم است. از طرفی آشفتگی سیمای شهری موجب ناهنجاری های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، قانونی، اخلاقی، فعالیتی، روانی، بصری و محیطی، چه از منظر عینی آن (منظر شهر) و چه از زاویه برداشتها و تصویرهای ذهنی افراد از آن (تصویر شهر) می شود. یکی از بحث برانگیزترین چالشها در ساماندهی سیمای شهر نحوه هویت بخشی به منظر و پیچیده ترین مفاهیم این زمینه تعریف ماهیت واژه هویت می باشد. تعبیری که غالباً از هویت سیمای شهری در ایران می شود تنها دارای بار تاریخی دارد و هدف آن ضرورت تزریق چنین هویتی به کالبد ساختمان می باشد. اگرچه چنین نگرشی در صورت درک صحیح مسئله دریافت های تاریخی و همجواری با بناهای با ارزش قدیمی از توجیه پذیری برخوردار است ولی در بافت های غیر تاریخی تعبیر پویاتری از مفهوم هویت شهر همچون هویت محله، هویت عملکردی و هویت طبیعی را می توان به بحث گذاشت. از طرفی خلاء ارزشی ناشی از فقدان محوریت هویت حقوقی شهروندان در توسعه شهرها که موجب بروز محورهای کاسب کارانه شده است را بطور گسترده تری در عرصه منظر شهری می توان یافت. کمبود منابع علمی و معرفتی کارشناسان و برنامه ریزان شهری، راهکارهای سطحی، شتاب زده و واکنشی نیز تا بدان جا رسیده که به گروه های مختلف فعالیتی، تولیدکنندگان و ارائه دهندگان خدمات نیز سرایت کرده است. بنابراین هدف گیری سیاست های ساماندهی منظر شهری، رویکردی دوگانه در حوزه رویه ای و ماهوی دارد و در مقیاس عملی آن، در ارتباط با سیاست گذاری های کلان و خرد است. لکن به گفته صاحب نظران مبحث هویت منظر شهری تهران دارای هشت مسئله عمده (بسیارفروشی بدون برنامه، نبود مطالعه و طرح های

کالبد شهری الهام از مکان همچون رولز بالچ، برایان ایوانز، کریس برت، آنتونی الکساندر و دیوید تایلور که در سه شهر انگلستان زندگی کرده اند و نتایج آنرا در اختیار آکادمی علوم شهری انگلستان قرار داده اند در سال ۲۰۰۹ تهیه شده است. در کتاب دیگری با عنوان هویت با طراحی نوشته جرج بوتینا واتسون و لن بنت لی در سال ۲۰۰۷ در دانشگاه آکسفورد این دو محقق نظر ساکنان دو مکان کاملا متضاد (پل قدیمی در موستار و املاک مورن شهر آنجل در لندن) را مورد بررسی میزان تعلق ساکنان قرار دادند و عوامل عدم هویت و تعلق مکان را در ساکنان شناسائی و اقدام به طراحی نمودند و ثابت کردند که با شناسائی عوامل ایجاد حس بیگانگی و طراحی مجدد امکان ایجاد هویت در بین ساکنین وجود دارد. این دو با طراحی توپوگرافی، ایجاد میدان و توالی دید و رویکرد مرفولوژیک، انتخاب بازپروری، ساخت براساس تصورات ریشه ای جامعه، غلبه بر نوستالژی، حمایت از حس فراشمول محله مشترک با اکوسفر گسترده شرایط موجود در این محلات را می توان تغییر دادند.

در ایران عبدالهادی دانشپور در پژوهشی با عنوان «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری» به طرح سئوالاتی در خصوص اینکه هویت چیست؟ و خیابان (نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب) در ربط با محیط های انسان ساخت چه مفهوم و تعبیری دارد؟ هویت به کدام نیاز از نیازهای انسان پاسخ می دهد؟ کدام عوامل در ایجاد هویت محیط های شهری دخالت داشته و فرآیندها و سازو کارهای ایجاد آن چگونه است؟ و بالاخره چه ملاک ها و معیارهایی برای ارزیابی هویت محیط های شهری وجود دارد؟ می پردازد مهم ترین اهداف این تحقیق دست یابی به تعریف مشخصی از مفهوم هویت در زمینه فرهنگ خودی، تعیین معیارها و شاخص های ارزیابی و همچنین شناسایی عناصر و عواملی است که ادراک هویت را تسهیل می نمایند. در تحقیق دیگری سلیمی در پایان نامه خود با

عنوان «چهارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر همدان» در سئوالات خود این موارد را مطرح کرده که: آیا منظر شهری در مقیاس کلان را با تمام تنوع، پیچیدگی و وسعتش می توان به دقت شناسائی، تحلیل و مدیریت کرد؟ تکنیک های شناخت، تحلیل و مدیریت منظر شهری در مقیاس کلان کدامند؟ چهارچوب طبقه بندی تکنیکها چیست؟ ایشان با هدف ارائه تکنیکها و الگوهای ارزیابی بصری در سطح شهر، عنوان کرده که این امکان وجود دارد که با بکارگیری تجربیات جهانی در حوزه ارزیابی مدیریت بصری می توان تکنیک های قابل ارزیابی منظر شهری را در کشور ارائه داد (سلیمی، ۱۳۸۷). این مقاله در ادامه تحقیق های صورت گرفته در ایران و جهان و اینکه در خصوص ارتباط بین ذهنیت شهروندان و هویت عناصر بصری، در منظر شهری بافت های تاریخی تهران پژوهشی صورت نگرفته، در پی یافتن پاسخی برای این سئوال اصلی است که رابطه بین ذهنیت جامعه با عناصر هویت بخش به منظر بخش مرکزی تهران چیست؟ و با توجه به سنت های ایرانی اسلامی موجود در بین شهروندان بخش مرکزی تهران با چه مکانیزی می توان ملاک های هویت بخشی به منظر شهری در محدوده مطالعه را اندازه گیری کرد؟ پس با در نظر گرفتن این فرض که بین ذهنیت جامعه با عناصر هویت بخش در منطقه ۱۲ تهران رابطه وجود دارد و این عناصر توسط شهروندان واجد تمایز و قابل احراز هستند. این مقاله به دنبال دست یابی به سه هدف اصلی (اهداف هویت بخشی، اهداف زیبایی شناسی، اهداف عملکردی) است که می تواند با تعریف فرآیندهای بومی (هدف عملکردی) به تحلیلی در عناصر هویت بخش (اهداف هویت بخشی) به منظر شهری (اهداف زیبایی شناسی) بخش مرکزی تهران دست یابد. ساختار این مقاله پس از بیان مبانی نظری و پیشینه تحقیق، با ارائه مدل مفهومی آغاز شده و پس از تشریح روش تحقیق و حجم نمونه گیری در بخش مرکزی تهران، مدل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۲۱۱

تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش به منطقه ۱۲ تهران ترسیم می گردد. سپس متغیرهای کیفی تحقیق برای تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش هسته اولیه تهران، کمی می گردند، نهایتاً نتایج یافته های حاصل از تکمیل پرسش نامه ها، ارائه و تحلیل و نتیجه گیری نهائی صورت می پذیرد.

۲- مبانی نظری

منظر در زبان انگلیسی به اشکال مختلفی مانند Landskipe یا Landscape در دوره های مختلف به کار می رفت. این واژه به یک سیستمی از فضاهای ساخته شده دست انسان ها بر روی زمین رجوع می کند که ممکن است حتی به وسیله دیوار یا نرده متمایز نشده باشند اما دارای مرز باشند (سیف الدینی، ۱۳۹۱، ص ۳). آلمان ها آن را Landschaft و هلندی ها Landscap به علاوه معادل هایی در میان سوئدی ها و دانمارکی ها رایج بود. در این میان فرانسوی ها هم از معادل هایی مانند "Terroi", "Pays", "Passage", "r" استفاده می کردند. اما همه آنها به طور یکسان، مفهومی برابر از چشم انداز ارائه نمی دهند (جکسون، ۱۹۸۴) و (شکوئی، ۱۳۸۶، ص ۲۲). در فارسی و عربی ساده ترین تعریف منظر آن چنان که در کتب لغت آمده، تصویری از طبیعت است. منظر واژه ای عربی است که به آنچه دیده می شود، اطلاق می گردد (منصوری، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

در جغرافیا مفهوم چشم انداز یکی از موضوعات مطالعاتی مهمی بود که از قرن بیستم آغاز شد. در پیروی از سنت همبولت و برخی دیگر از جغرافیدانان طبیعت گرا، کلمه چشم انداز برای بیان محدوده وسیعی از فضای بصری که خصوصیات فیزیکی و طبیعی آن به میزان زیادی همگن است به کار می رفت، لازم به ذکر است محدوده موردنظر به طور انفرادی مورد بررسی قرار می گیرد (هولزر، ۱۹۹۹). کارل ساور جغرافیدان برجسته آمریکایی با توجه به مفهوم چشم انداز در مکتب جغرافیایی آلمان چشم انداز را به عنوان محدوده ای مشخص و مجزا

همراه با پیوند اشکال فیزیکی و فرهنگی در یک زمان تعریف می کند (کارل ساور، ۱۹۹۸). دیدگاه کارل ساور تجزیه و تحلیل مورفولوژیک چشم انداز با توجه به سیمای فرهنگی آن مورد توجه قرار می گیرد. ترول (۱۹۹۷) چشم انداز را به عنوان بخشی از سطح زمین همراه با یک آرایش فضایی تعریف می کند که سیمای ظاهری چشم انداز نتیجه آن می باشد و ناشی از ارتباط مجموعه ای از عناصر و ارتباطات داخلی و خارجی میان آنها است که توسط مرزهای چشم اندازهای دیگر محدود شده است. تعریف مذکور با دیدگاهی کاربردی، بر روی ارتباط میان عناصر چشم انداز هماهنگی و وابستگی درونی موجود تاکید کرده است؛ چنانکه کورا و روزندال (۱۹۸۸) فرهنگ یا چشم انداز جغرافیایی را نتیجه ای از کنش فرهنگی بر روی چشم انداز طبیعی در طول زمان می دانند که همراه با هم ابعاد (ویژگی) زیادی را به نمایش می گذارند که در یک قالب شناختی بررسی می شوند. جکسون (۱۹۸۴) در تعریفی از چشم انداز به عنوان ترکیبی از فضای خلق شده یا تغییر داده شده توسط انسان در جهت پایه گذاری زمینه ای برای معیشت اجتماعات انسانی نام می برد. بر این اساس هنگامی که جکسون و لوچپاری، برآیند واکنش انسان و محیط را مطرح کردند دیدگاه های خود را بر اساس ویژگی ارتباط عناصر فرهنگی و طبیعی شکل دادند. چنان که ارتباط میان این پارامترها در تعریف به کار رفته توسط ترول (۱۹۹۷) نیز به چشم می خورد. یکی دیگر از شاخص های مفهوم چشم انداز در جغرافیا، پویایی همراه با ساختار فضایی تشکیل شده از عناصر فرهنگی و انسانی است. بوبک و اشمیت ازون (۱۹۹۸) در این حالت چشم انداز، نمادی از تمدن بوده و قالبی است متشکل از عملکردهای فرهنگ که ارتباط میان جامعه، فضا و طبیعت را کانالیزه می کند. بوبک (۱۹۹۸) اظهار می دارد که چشم اندازها به عنوان یک مفهوم باید به وسیله ابزارهای روش شناسی توصیف شود. یکی از این ابزار کمی سازی

آماری از اشکال چشم انداز و تجزیه و تحلیل روابط میان عناصر چشم انداز است. واژه منظر شهری در علم شهرسازی مانند واژه شهرسازی علی-رغم آنکه مفهومی قدیمی است که از دیر باز با پیدایش و تکوین شهرها همواره ماهیتا وجود داشته، اما به عنوان واژه‌ای تخصصی در اواخر قرن نوزدهم با طراحی و اقدامات فردریک لاولمستد پدر معماری منظر، در رابطه با شهرهای آمریکایی مطرح شد (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۸۸-۸۳).

مفاهیم منظرشهری اولین بار توسط گوردن کالن در مجله آرشیستکچرال رویو عنوان شد. وی منظر هر شهر را پاسخی به رفتارهای انسانی، وضعیت آب و هوایی، فاکتورهای ایمنی و به بیان دیگر مداخله‌های ماهرانه در چارچوب افزایش توانایی‌های محیط می‌داند. کالن معتقد است برداشت هر شخصی از منظر شهری متأثر از حس بینایی، حس مکان و محتوای محیطی است که فرد در آن قرار می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۵۴-۶۱). مایکل، تردید و بانرجی دو تن از آشنایان آثار لینچ تأکید دارند که لینچ و مطرح‌کنندگان مبحث منظر شهری بر این عقیده استوارند که منظر شهری واقعیتی ذهنی است. حتی تصویر ذهنی یا سیمای شهر از نظر راپاپورت نیز کلیتی است که حتی پس از ترک محیط نیز در خاطر انسان می‌ماند لینچ و همکارش کپس سعی نمودند تا تصویر ذهنی شهروندان را از شهرهایشان کشف کرده و نتایج حاصل آنرا پیش پای تصمیم‌گیران قرار دهند.

هوبارد و کیمبال معماری منظر را هنری ظریف تعریف کرده‌اند و مهم‌ترین عملکرد آن را ایجاد و حفظ زیبایی در مجاورت سکونت‌گاه‌های بشری و در مقیاس بزرگ‌تر گسترش چشم اندازهای طبیعی اطراف و همچنین آرایه‌دهنده آسایش، راحتی و بهداشت برای شهرنشینان دانسته‌اند، تا آنان بتوانند برای تجدید قوا و کسب آسایش و آرام به چشم اندازهای روستایی دسترسی داشته باشند. هاکت برین میان معماری، منظر و دیگر حرفه

های طراحی تفاوتی قایل می‌شود. ایشان معماری منظر را در رابطه با معماری ساختمان قادر به تغییر و رشد می‌داند و معتقد است این روند در طول میلیون‌ها سال ادامه داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. تغییر و سازگاری منظر با برنامه‌های جدید در ساختار شهری موجود و در انطباق با مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص بوده و محدودیتهای موجود در چرخه اکولوژی و فرآیندهای زیست محیطی عواملی خواهد بود که گرایش‌های فردی را در طراحی محدود خواهد کرد.

۲-۲- رویکردهای ارزیابی هویت در منظر

چارچوب ارزیابی منظر شهری به عنوان اسناد هدایت و راهبری سطح استراتژیک وظیفه کنترل و جهت‌دهی به نظم بصری شهر را به عهده دارد که طی آن تحلیل هویت بصری شهر برای حفظ و ارتقاء منظر شهر صورت می‌پذیرد. به اعتقاد کوین لینچ اندام‌های شهری مدام در حال تغییر و تحول می‌باشند و خود را با نیازهای جوامع تطبیق می‌دهند لیکن این تغییرات می‌تواند در جهت ارتقاء و یا تهدید باشد و وظیفه مدیریت منظر شهر آن است که:

کیفیت‌های بصری را شناسایی نماید.

بستر تغییرات را تشخیص دهد.

عرضه تغییرات را کنترل نماید.

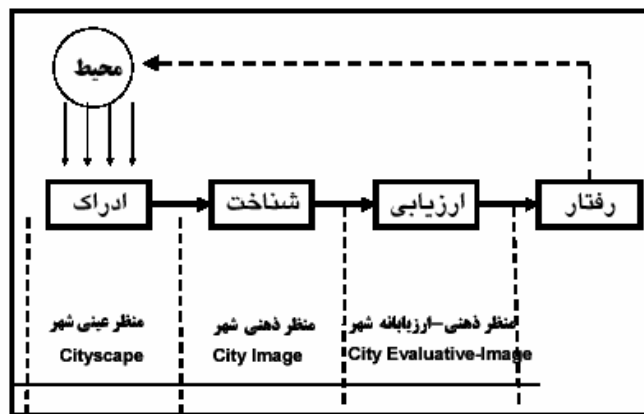
فرآیند مطلوب را هدایت نماید.

چارچوب ارزیابی منظر شهری در قالب یک رویکرد پازتیو دارای ابعاد ماهوی و رویه‌ای به بحث راهبری کیفیت است. در بعد ماهوی ممیزی هویت و زمینه‌های مختلف کیفیت منظر و ادراک شهروندان مبنای دست‌یابی به سیاست‌های راهبردی است. در بعد رویه‌ای حیطة عمل در اسناد فرادست، فرآیند دست‌یابی به سیاست‌های راهبردی و تولید چارچوب ارزیابی منظر و راهنمای مدیریت منظر فرآیند دست‌یابی به اهداف توسعه است (ذکاوت، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۲۱۳



شکل ۱. سیستم منظر شهری در فرآیند تعامل انسان- محیط؛ ماخذ:

گلکار، ۱۳۸۵، ص ۳۹.

۲-۱- فرآیند درک هویت منظر شهر در بخش مرکزی تهران

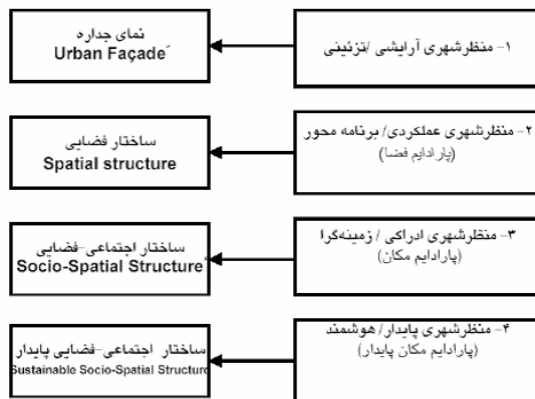
تعامل میان محیط شهری و ذهن فرد، پدیده ای است که با لفظ منظر ذهنی از آن نام می بریم؛ در مرحله سوم، (City Image) شهر ذهن فرد براساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرآیندهای تائری و ارزیابانه نسبت به محیط واکنش عاطفی مثبت و یا منفی پیدا می نماید. محصول عامل محیط شهری و ذهن ارزیابانه فرد، پدیده ای است که از آن با اصطلاح منظر جک نسر (۱۹۹۸) نام ذهنی-ارزیابانه شهر می برد. نهایتاً در مرحله چهارم از تعامل میان محیط شهری و انسان، فرد بر مبنای محتویات منظر ذهنی-ارزیابانه خود که نشان دهنده احتمال رویدادهای محتمل الوقوع در محل می باشد، به رفتار معینی دست می زند. از بررسی رابطه میان محیط شهری و انسان می توان نتیجه گرفت که منظر شهری یک سیستم است که از تلفیق سه زیرسیستم منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر و منظر ذهنی-ارزیابانه شهر شکل می گیرد (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

به عبارت دیگر تنها از تعامل میان این سه زیرسیستم است که مفهوم منظر شهری به مثابه یک کلیت شکل می گیرد در واقع، منظر شهری محصول تلفیق سه نگاه است:

نگاه با چشم سر که محصول آن منظر عینی شهر است،

نگاه با چشم ذهن که محصول آن منظر ذهنی

فرآیند شکل گیری سیستم منظر شهری برای ابهام زدایی از مفهوم منظر شهری و دیگر مفاهیم مرتبط، لازم است جایگاه این مفهوم در فرآیند تعامل میان انسان و محیط تشریح گردد. مدل ذهنی روابط میان انسان و محیط نشان می دهد که یک رابطه دوطرفه میان ویژگی های محیط شهری از یک سو و ادراک، شناخت، ارزیابی و رفتار انسانی از سوی دیگر وجود دارد. همان گونه که در شکل شماره ۱ دیده می شود، در مرحله نخست، محیط شهری هندسه و ویژگی های مملوس، نظیر ویژگی های بصری، صوتی، بو و غیره را در معرض حواس پنج گانه انسان قرار می دهد، در این مرحله اصطلاحاً محیط شهری توسط فرد مورد ادراک قرار می گیرد. محصول تعامل در این مرحله پدیده ای است (Perception) که از آن با لفظ منظر شهری نام برده می شود که به منظور عدم اختلاط با (Cityscape) دیگر مفاهیم مرتبط، در این مطالعه از اصطلاح منظر عینی شهر برای ارجاع به آن استفاده می نمایم؛ در مرحله دوم محیط شهری توسط فرد مورد شناخت قرار می گیرد. در این مرحله ذهن فرد (Cognition) براساس داده های محیطی، طرح واره-های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می نماید. محصول



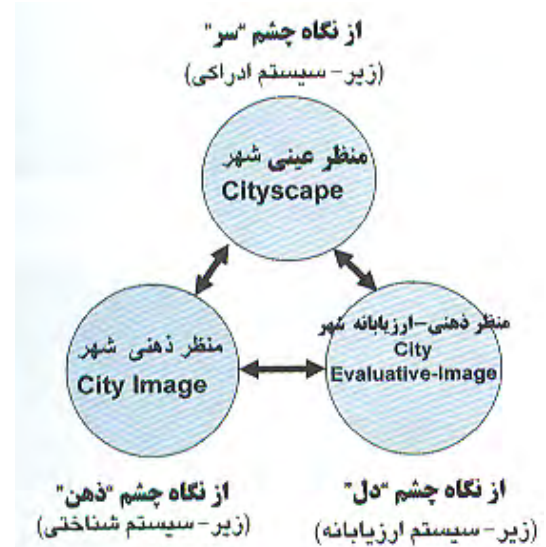
شکل ۳. انواع سطوح منظر شهر و نحوه ادراک؛ ماخذ: گلکار کورش، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰.

می‌گیرد، لذا با بررسی آنچه در ایران اتفاق افتاده بایستی این واژه‌ها را با اصول ادبیات سنتی منطبق کنیم و نهایتاً به مدلی بومی در این خصوص دست پیدا کنیم که بر اساس آن بتوانیم منظر شهری حال حاضر خود را بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته تعریف کنیم. لذا ذیلاً مدل مفهومی مقاله که در آن متغیرهای اصلی بر اساس مبانی نظری تعریف شده اند ارائه می‌گردد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

از آنجائی که این مقاله به دنبال تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در زمینه خاص عناصر هویت بخش منظر شهری است. لذا تحقیق حاضر به لحاظ هدف در گروه تحقیقات بنیادی قرار می‌گیرد، روش تحقیق توصیفی، پیمایشی بوده و شامل دو مرحله بررسی و توصیف اسنادی و تحلیل پیمایشی به صورت مقطعی می‌باشد. در مرحله اول با کمک مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی چهار چوب نظری و فرضیه‌ها تدوین گردیده و در جهت بررسی (رد یا پذیرفتن) فرضیه‌ها با کمک روش پیمایشی و توصیفی و علی، فرضیه‌ها در بوتله آزمایش قرار می‌گیرند.

در تنظیم پرسش‌نامه تحقیق نیز سعی شده تا ساکنین منطقه ۱۲ تهران از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شوند و با نمونه‌گیری تصادفی ساده به بررسی نظر چهار دسته از بهره

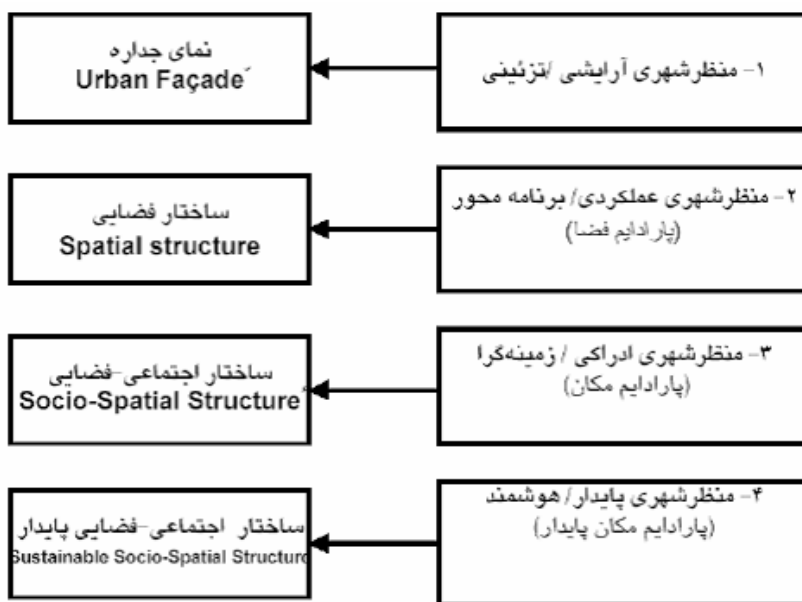


شکل ۲. سیستم ادراکی منظر شهری در فرآیند با زیر سیستم‌های ارزیابانه و شناختی دل و ذهن؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۸۵، ص ۳۹.

شهر می‌باشد و نهایتاً نگاه با چشم دل که محصول آن منظر ذهنی-ارزیابانه شهر است. فهم منظر شهری به مثابه یک سیستم مانع از تقلیل چنین پدیده‌متکثری به یکی از جزء سیستم‌های آن می‌گردد. به عبارت دیگر هیچ یک از سه لایه تشکیل دهنده منظر شهری به واسطه درهم‌تنیدگی، به تنهایی قابل مطالعه دقیق نمی‌باشند و این ویژگی استلزامات روش شناختی خاصی را بر انجام مطالعات طراحی شهری، به ویژه در حوزه مطالعات منظر شهری، موجب می‌گردد (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۹۸-۱۱۰).

۳- مدل مفهومی تحقیق

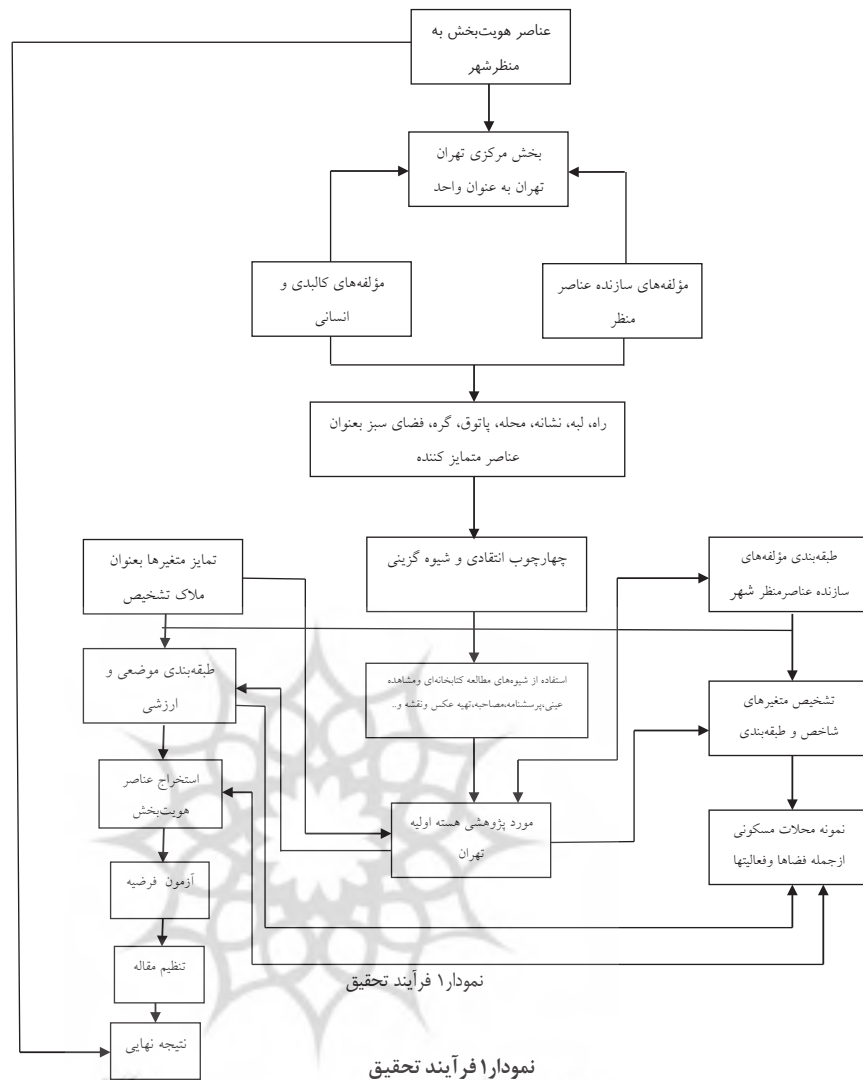
هویت ریشه در فطرت آدمی دارد و اصول ادبیات داخلی مان غنی از تعریف این کلمه است. لکن با توجه به اینکه هویت جنبه‌های مختلفی دارد و موضوع پژوهش در این مقاله مرتبط با هویت شهر و هویت منظر شهر است. بنابراین از زمانی که وارد تعریف این اصطلاح (هویت شهری و منظر شهر) می‌شویم این واژه رنگ و بوی غربی به خود



شکل ۴. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

مقایسه می‌گردند و نتیجه حاصل از پرسش‌نامه‌ها با روش مقایسه‌ای تحلیل می‌گردند. لذا از آنجائی که بخش مرکزی شهر تهران به ۱۳ گستره تقسیم شده است، که هر کدام از این گستره‌ها، زمانی به عنوان مجموعه سکونت گاهی با ویژگی فرهنگی، معیشتی و دارای سلائق مختلف و گروه‌های اجتماعی متفاوت با سایر محلات بوده اند لذا برای نزدیک شدن بررسی‌های مطالعه به اهداف طرح بایستی از کلیه محلات بخش مرکزی نمونه‌گیری به عمل آید. از طرف دیگر از آنجائی که هر محله دارای تعداد جمعیت متفاوتی است. لذا حجم کل پرسش‌نامه‌ها به نسبت مساوی بین هر گستره توزیع خواهند شد. لذا نمونه‌گیری بصورت اتفاقی و تصادفی از ۳ گروه اجتماعی (مردم عادی شامل کسبه و رهگذران و ساکنین، پژوهش‌گران و مدیران) انجام پذیرفته و نظر این سه گروه به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد. ضمن آنکه توجه به مسئله با صرفه بودن نمونه‌گیری، سرعت عمل و کوتاه بودن زمان و کیفیت و دقت در جمع‌آوری داده‌ها مد نظر خواهد بود از طرف دیگر چون این پژوهش غیرآزمایشی (توصیفی) است دقت داده‌ها تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار

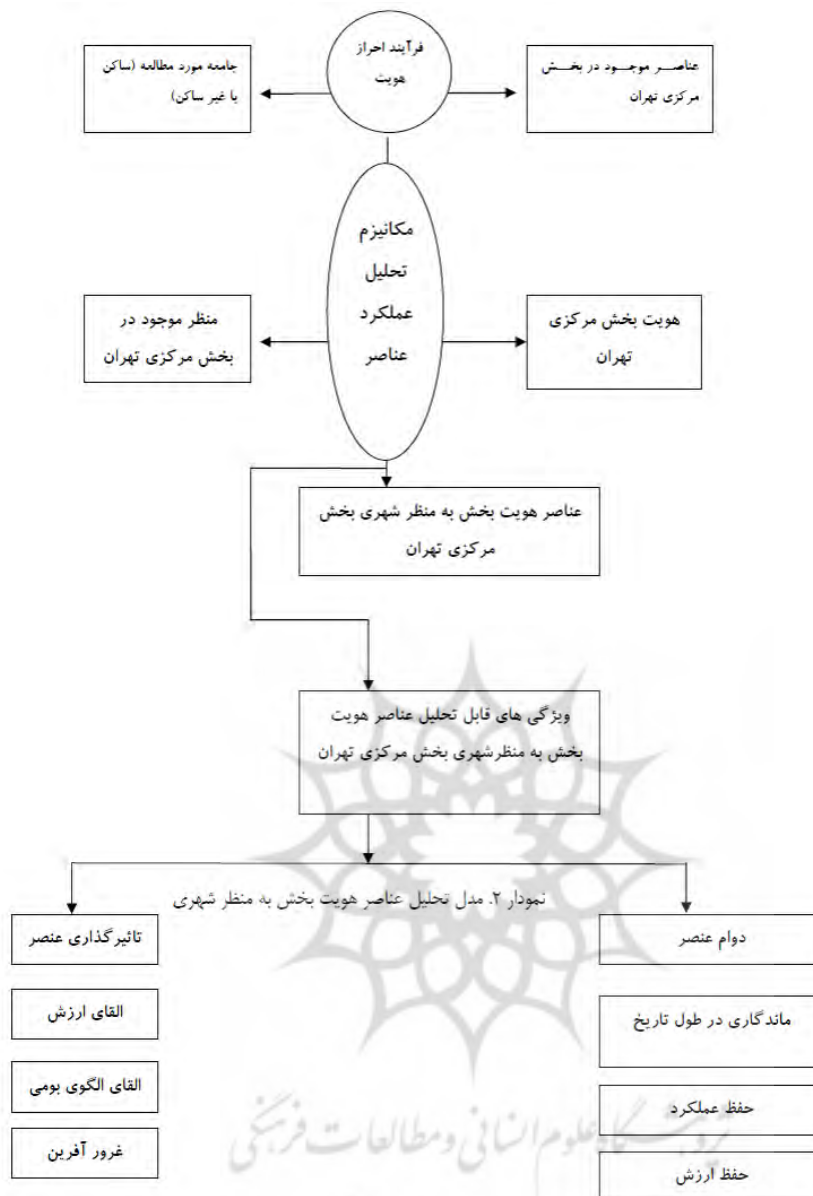
برداران (ساکنین، رهگذران، متخصصین و دست‌اندرکاران) منظرشهری پرداخته شود. روش مصاحبه با افراد و اشخاص نیز به صورت باز (نیمه ساخت یافته) می‌باشد. باتوجه به اینکه قسمت اعظم بخش مرکزی تهران در محدوده منطقه ۱۲ شهرداری واقع شده است که بر طبق آمارگیری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۴۰۷۲۰ نفر جمعیت و نیز براساس تقسیم بندی شهرداری تهران دارای ۱۳ محله (۱- محله ژاله-آب سردار؛ ۲- محله آبشار-دردار؛ ۳- محله ارگ-پامنار؛ ۴- محله بهارستان-سعیدی؛ ۵- بازار؛ ۶- دروازه شمیران؛ ۷- محله فردوسی-لاله زار؛ ۸- محله غار-شوش؛ ۹- محله قیام؛ ۱۰- محله کوثر؛ ۱۱- محله مختاری-تختی؛ ۱۲- محله امین حضور-پسته بک، ۱۳- محله سنگلج-درخونگاه) است. لذا در پیاده‌سازی روش پژوهش براساس چهارچوب نظری تحقیق و برداشت‌های میدانی از جمله مطالعات پژوهشگر، تجربیات مدیران منطقه، مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه برای تحقیق در خصوص میزان همبستگی متغیرها و روش تحقیق پس رویدادی (علی، مقایسه‌ای) که در آن روابط بین متغیرها از دیدگاه رفتارشناسی و نیز علت و معلولی



می‌گیرد. همان گونه که می‌دانیم هرچه تعداد نمونه گیری بیشتر باشد مطالعه و نتایج حاصل از تحقیق دقت بیشتری خواهند داشت لکن از طرفی دقت کافی برای این روش توصیفی در حد دست یابی چند نقطه، مکان، محله، لبه، حوزه، مسیر و... است، که در فرآیند ادراک شهروندان بخش مرکزی تهران از درجه اهمیت بیشتری برخوردارند و تعداد متغیرهای دست یابی به این مکان‌ها محدود و با مدیریت محقق قابل دست یابی است. برای تعیین حجم نمونه برای آزمون فرض درباره میانگین یک جامعه می‌توان از روش کرک (سرمد، عباس زادگان، ۱۳۸۶:

$$Z_B = \frac{d(n-1)\sqrt{n}}{(n-1)+1/21(z_{\alpha}-1/0.6)} - Z_{\alpha}$$

۱۸۹) استفاده کرد. در این روش چنانچه سطح معنی داری $\alpha=0.05$ و همچنین توان آزمون $1-\beta=0.8$ را اختیار کنیم جذر واریانس جامعه $\sigma=12.5$ باشد از آنجائی که تفاوت بین وضعیت مطلوب هویت با آنچه موجود است مشخص نیست باید تفاوتی را که می‌خواهیم از قبل مشخص کنیم. بنابراین میزان $d=0.5$ که همان حجم اثر متوسط است از رابطه $d = \frac{(\mu-\mu_0)}{\sigma}$ بدست آمده و از رابطه زیر تعداد پرسش نامه بدست می‌آید. $n=348$ و $Z_{0.05} = 1.64$ و $Z_{0.2} = 0.84$



لذا انتخاب ۲۰۰ مورد پرسش‌نامه برای ساکنین (به ازای هر هزار نفر ساکن یک پرسشنامه) و نیز ۵۰ پرسش‌نامه برای متخصصین و مدیران و نهایتاً ۱۰۰ پرسش‌نامه برای بهره‌برداران (شامل رهگذران، گردشگران و کسبه) که سهم سه گروه فوق در آن در جمع بندی و تحلیل داده‌ها یکسان در نظر گرفته شده توزیع خواهند شد و توسط مصاحبه کنندگانی که در این خصوص توجیه شده‌اند در جامعه آماری با مصاحبه حضوری تکمیل می‌گردد و نهایتاً تجربیات و مشاهدات محقق در جمع بندی و تحلیل این پرسش‌نامه‌ها نقش مدیریت داده‌ها و اطلاعات را خواهد داشت. از آنجائی که شاخص‌ها و متغیرهای این پژوهش یعنی عناصر هویت بخش به منظر شهری به صورت کیفی می‌باشند و این در حالی است که عناصر منظر را بدون در نظر گرفتن هویت آن راحت‌تر می‌توان کمی کرد زیرا با چند متغیر بصری همچون نما، مبلمان، روشنائی و غیره جدا از ارزش‌های آن مواجه هستیم و شاید بتوان با برخی روش‌ها همچون روش لیکرت یا منطق فازی برای عملیاتی کردن آنها استفاده کرد. لکن با توجه

جدول ۱. متغیرهای بعد عملکردی به تفکیک مولفه‌ها و شاخص‌های آن؛ ماخذ: نگارنده براساس مدل موسسه منظر و مدیریت ارزیابی زیست محیطی انگلستان.

عنوان متغیر کیفی	تعریف	واحد اندازه‌گیری	مقیاس	منبع داده
دوام عنصر	حفظ کالبد یا فعالیت و یا وجه تسمیه و یا حتی یاد و خاطره عنصر در دوره‌های مختلف حتی اگر در حال حاضر هیچ اثر فیزیکی از آن موجود نباشد	حفظ عنوان برحسب دوره	محلی	ساکنین
ماندگاری	حفظ توامان عملکرد و کالبد فیزیکی عنصر در دوره‌های مختلف	حفظ عملکرد و کالبد برحسب دوره	محلی، منطقه ای	ساکنین و متخصصان
حفظ عملکرد	حفظ کاربری عنصر	دهه	محلی، منطقه ای و ملی	ساکنین، مشتریان
حفظ ارزش	حفظ دیدگاه فعلی مردم از ارزش عنصر	صده	محلی، منطقه ای و فرا منطقه ای	ساکنین، مشتریان
تاثیر گذاری	تحت تاثیر قرار گرفتن بافت اطراف از کالبد و فعالیت عنصر	دهه با تاثیر بر الگوی کالبدی و فعالیتی بر محیط اطراف	محلی، منطقه ای	ساکنین، مدیران و متخصصان
القای ارزش	تحت تاثیر قرار گرفتن کاربری‌های دیگر از عنصر	تاثیر پذیری کاربری‌های اطراف	محلی، منطقه ای	ساکنین، مدیران و متخصصان
القای الگو	دارا بودن سبک خاص و منحصر به فرد	ویژگی‌های بصری در کالبد	محلی، منطقه ای، ملی	ساکنین، مدیران و متخصصان
غرور آفرینی	این تصور که عنصر منحصر به فرد بوده و باعث جذابیت برای غیر ساکنین در سطح منطقه ای و ملی و بین‌المللی است			
	دارای شاخص‌های کالبدی و فعالیتی در سطح ملی و بین‌المللی	ملی و بین‌المللی	ساکنین، مدیران و متخصصان	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۲۱۹

متغیرهای مدل محقق مطابق دستورالعمل ارزیابی منظر و آثار بصری موسسه منظر و موسسه مدیریت و ارزیابی زیست محیطی انگلستان صورت پذیرفته است.

۵- بحث و بررسی یافته‌های تحقیق

با توجه به ماهیت دو گانه منظر در ابعاد زیبایی شناسی و هویت بخشی بخش مرکزی تهران، سه

به اینکه در تحلیل عناصر هویت بخش با ارزش‌های جامعه مورد مطالعه مواجه هستیم متغیرهای عناصر هویت بخش به منظر شهری در قالب دو دسته متغیر یعنی متغیرهای منظر شهر (عناصر و شاخص‌های بصری) و متغیرهای هویت بخش (دوام، حفظ عملکرد، حفظ ارزش، تاثیر گذاری و القای ارزش) به جدول زیر تقسیم بندی گردیده‌اند که کمی سازی

هدف کلی (اهداف هویت بخشی، اهداف زیبایی شناختی و اهداف عملکردی) در این مطالعه مدنظر قرار گرفته است. همچنین می توان ابعاد دوگانه منظر را در دو بعد عین و ذهن جستجو و اندازه گیری کرد پس برای پاسخ به این سؤال که آیا عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران از دیدگاه شهروندان در این بخش قابل اندازه گیری می باشد؟ و نیز ارتباط عناصر هویت بخش با ذهنیت شهروندان بخش مرکزی تهران به چه شکل است؟ این فرض مطرح شد که به نظر می رسد از دیدگاه جامعه (شهروندان) بخش مرکزی شهر تهران دارای عناصر هویت بخش به منظر شهری واجد تمایز بوده و هویت آن قابل احراز می باشد و بین ذهنیت جامعه با عناصر هویت بخش در بخش مرکزی شهر تهران رابطه وجود دارد. لذا در جدول شماره ۵ که حاصل جمع بندی ۱۵ فرم مآخوذه از شهروندان محلات مختلف منطقه ۱۲، متخصصان و استفاده کنندگان است، ارائه می گردد.

در بررسی های میدانی انجام شده از محله های منطقه ۱۲ از شهروندان بخش مرکزی تهران می توان به این مهم دست یافت که اهالی هر محله در معرفی عناصر هویت بخش منطقه ۱۲، عناصر موجود در محله خود را نسبت به عناصر سایر محلات در اولویت قرار می دهند. این در حالی است که گزینه هائی همچون ازدحام، ترافیک، شلوغی، آلودگی، پراکندگی سارقین، پراکندگی معتادین نیز در معرفی شاخص های هویت بخش این منطقه بسیار مورد توجه شهروندان قرار گرفته و می توان گفت تا حد زیادی شاخصه های مهم دیگر را تحت تاثیر قرار داده است. در نمودار شماره ۱ ملاحظه می کنیم شهروندان منطقه ۱۲ به چه شکل اولویت های منطقه را تشخیص داده و معرفی می کنند.

در انتخاب محلات شهروندان دارای گزینه های متفاوت تری هستند. در میان محلات انتخاب شده، بازار بالاترین انتخاب از لحاظ ارزش های معماری و شهرسازی دارد و در اولویت دوم محلات پامنار و

پاچنار و اولویت سوم محله های عودلاجان و سنگلج، و اولویت های بعدی محله های بهارستان، مولوی منیریه، فردوسی در درجات بعدی قرار می گیرند. این جمع بندی در تأیید این فرضیه نشان می دهد که در درجه اول شهروندان بخش مرکزی تهران قادر هستند اولویت های بصری محله خود را شناسائی و معرفی کنند این در حالیست که با توجه به جداول تکمیل شده می توان به این مهم دست یافت که اغلب شهروندان اولویت های خود را از همان محله ای که در آن ساکن هستند انتخاب کرده اند مثلاً در محله قیام که اغلب حوزه های علمیه و دفاتر مراجع و نیز حسینیه ها در طول خیابان قیام واقع است، شهروندان این مشخصه ها را جزو ویژگی های اصلی محله خود عنوان کرده اند و از طرف دیگر ساکنین محله فردوسی اشاره به کلیساهای قدیمی موجود در محله خود نموده اند که این مهم در تأیید فرضیه تشخیص عناصر هویت بخش موجود در هر محله توسط شهروندان است.

در ویژگی های ارزش بخش به محلات بخش مرکزی تهران در اولویت اول ۷۸٪ شهروندان بناهای تاریخی، قدمت بناها و محلات، را ذکر کرده اند و این در حالیست که در اولویت دوم شهروندان با ۲۳٪ وجود مراکز اداری و تجاری مهم در منطقه ۱۲ را از جمله ویژگی های ارزش بخش منطقه برشمرده اند و در اولویت سوم نیز ضد ارزش هائی همچون آلودگی، نا امنی و ازدحام جمعیت و ترافیک موجود جزو ویژگی های منطقه انتخاب گردیده است. با توجه به این موضوع، شاهدیم که شهروندان علاوه بر شناسائی و معرفی ویژگی های ارزش بخش محلات بخش مرکزی، واجد تمایز در احراز ویژگی های ارزش بخش به بناهای شاخص، گذرها، معرفی الگوهای مناسب برای توسعه آتی محله خود، شاخصه های غیر کالبدی بخش مرکزی، حضور اقوام و مذاهب مختلف و طبقات اجتماعی متنوع همچون فرهنگیان، بازاریان و عوامل وابسته به بازار همچون کارگران، کسبه و غیره در هر محله باعث شده تا پرسش

جدول ۲. عناصر هویت بخش به منظر شهری از دیدگاه شهروندان بخش مرکزی تهران

ردیف	موضوع	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم
۱	ویژگی های متمایز منطقه ۱۲	بافت تاریخی و قدمت، بازار، بافت فرسوده، مرکزیت و وجود مراکز مهم سیاسی و اقتصادی	بازار و تجارت، قدمت و هویت، سایر (فرسودگی ریزدانه‌گی، آلودگی، اختلاف طبقاتی، سیاسی، مجلس، وسعت جغرافیائی، نوع معماری)	بازار، بافت و بناهای تاریخی، فرسودگی، سایر (سیاسی، مذهبی، مراکز حساس قدرت، مرکزیت)
۲-۱	محلات دارای ارزش	بازار، عودلاجان، سایر (سنگلج، گلوبندک و سبزه میدان، سیروس، فردوسی، ایران)	عودلاجان، سنگلج، مولوی، سایر (بهارستان، میدان امام، امامزاده یحیی، پامنار، فردوسی، بازار)	سنگلج، عودلاجان، هفده شهریور، میدان مشق سایر (پامنار، جمهوری استامبول، نوفل، اطراف سفارت، بهارستان، خ ایران، دولت، بازار)
۲-۲	مشخصه های ارزشی محلات	قدمت بافت و بناها، اقتصادی و تجاری، سایر (نوع معماری، بافت ارگانیک، ارزش ملی، میراث فرهنگی، مراکز سیاسی)	قدمت و آثار تاریخی، وجود بازار و مراکز اقتصادی، سایر (قطب سیاسی، ارزش و هویت ملی، آثار هنری، گذرهای باریک و با هویت)	قدمت و هویت تاریخی، اقتصادی، سایر (رفت و آمد زیاد، مراکز قدرت، قطب سیاسی، سکونت قدیمی، فرهنگی، معماری اسلامی)
۳-۱	بناهای ارزشمند	کاخ گلستان، مسجد امام، شمس العماره، بازار، مجلس، سایر (باغ ملی، ارگ، مشیر الممالک، ساختمان شهرداری، مراکز حکومتی، کاخ دادگستری و شهربانی، پست، مسعودیه)	مجلس، دارلننون، مجموعه سپه سالار، کاخ گلستان، شمس العماره، سایر (میدان مشق، موزه باستان، عمارت مسعودیه، سرقبر آقا، باغ نگارستان، کاروانسرا و حمام ناصرالدین میرزا، مخابرات)	کاخ گلستان، بازار، شمس العماره، مجموعه سپه سالار، سایر (موزه آبگینه، مجلس، ناصر خسرو، مسجد امام، باغ نگارستان، هتل فردوسی، نصیرالدوله، فخرالدوله، کاظمی)
۳-۲	مشخصه بناهای ارزشمند	قدمت، ویژگی معماری، سایر (دالانهای تودرتو، طاق های قوسی، حساسیت مراکز، سردرب های تاریخی، زیبایی، ارزش های سیاسی)	ویژگی خاص معماری، سایر (ستونها و سرستونها، ویژگی بافت، ارزش تاریخی، سیاسی بودن، گردشگری، معماری قاجار، آئینه کاری، کاشی کاری، سردرب ها، اقتصادی)	قدمت، سایر (مذهبی بودن، اتاقها، سقف و حجره ها، توریستی، معابر، راحتی ساکنین، فرهنگی، معماری قاجار)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۲۲۱

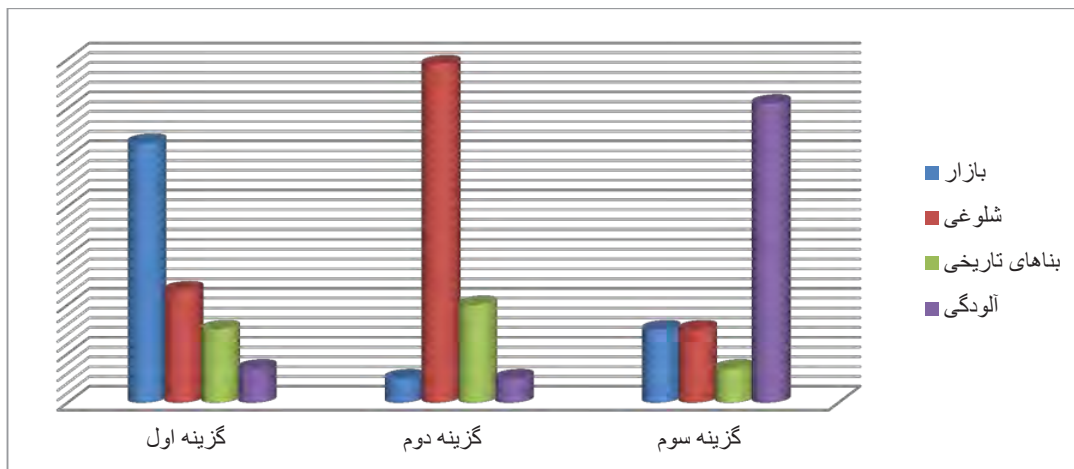
۴-۱	گذرهای ارزشمند	پانزده خرداد، گذر مروی، سایر (ناصر خسرو، لاله زار، سی تیر، گذر لوطی، عودلاجان، گذر مستوفی، فردوسی، مصطفی خمینی، زیر گذر امیر کبیر، گذرهای بازار، گذر مشق)	خیام، هفده شهریور، فردوسی، گذر مروی، گذرهای بازار، سایر (ناصر خسرو، گذر لوطی، گذر مستوفی، سیروس، گذر قلی، پانزده خرداد)	فردوسی، گذر قلی، جمهوری، مولوی، گذر میرزا صالح، سنگلج، گذر لوطی، مصطفی خمینی، پانزده خرداد، خیام، امام حسین، گذر امام زاده یحیی، ناصر خسرو، گذر مستوفی
۴-۲	مشخصه گذرهای ارزشمند	آثار تاریخی، به خاطر تجاری بودن، پرتدد، پیاده راه، سایر (هویت، رفع ترافیک، گذرهای مسقف، معماری و شهرسازی)	قدمت، عرض معابر، تجاری بودن و ارزش اقتصادی، سایر (وجه تسمیه، طراحی همگون، الگو تاریخی، فضای شهری کامل)	قدمت، تجاری و اقتصادی، سایر (سنگ فرش، فرهنگی، واحدهای همسایگی، پیاده راه، آلودگی محیطی، گردشگری)
۵-۱	الگوهای پیشنهادی توسعه	الگوهای اسلامی ایرانی بجای مانده از گذشته، سایر (آجر قزاقی، اجرای طاق قوسی، نمای سنتی، آجر نما استفاده از الگوی ترکیبی تاریخی)	الگوی ایرانی اسلامی سنتی، سایر (استفاده از سنگ، آجر، آجر قزاقی، دوری از اجرای نمای جدید، مدرن، مدرن با الهام از گذشته)	آجر قزاقی، سنگ، سایر (سیمان و شیشه، مختلط، استفاده از الگوهای تاریخی، الگوهای ترکیبی مدرن و سنتی، ترکیب سنگ با سایر متریال ها)
۵-۲	اقدامات صورت گرفته توسط شهرداری	۲۰٪ هیچ اقدامی صورت نگرفته ۵۰٪ نامسازی و بازسازی گذرها، اقدامات موردی، سنگ فرش خ هفده شهریور، کنترل ارتفاع بناهای اطراف بافت تاریخی، حفظ منازل قدیمی و مساجد، مرمت بافت قدیمی ۳۰٪ بی جواب		
۶	مهم ترین فعالیت ها	تجاری، فرهنگی، آموزشی، سیاسی	سیاسی، فرهنگی، اداری	فرهنگی، سیاسی، اداری، سایر (ورزشی، تجاری)
۷	مکان های قابل معرفی به دیگران	بازار، کاخ گلستان، مسجد امام، سایر (گذر مروی، دروازه غار، ارگ، موزه مقدم، سبزه میدان)	کاخ گلستان، بازار، گذر مروی، سایر (باغ نگارستان، مجلس، سفارتخانه، موزه ایران باستان، مسجد سپهسالار)	شمس العمارة، بازار، سایر (پیاده راه صف، میدان مشق، امام حسین، مجموعه مطهری، موزه پست، مسجد ارگ، ناصر خسرو، کوچه مروی، مولوی، امامزاده ها)
۸-۱	گروه های اجتماعی ساکن	مذهبی، بازاریان، کارگران، دولتمردان	فرهنگیان، بازاریان، دولتمردان، بومیان، اداره ای، کارگران	بازاریان، فرهنگیان، سایر (کارگران، مهندسان، مهاجران، مردم عادی)

		۵٪ تاحدی، ۲۵٪ خیلی، ۷۰٪ بی پاسخ	تاثیر گرو های ساکن بر توسعه منطقه	۸-۲
سایر (سپه سالار و فردوسی)	خیابان های تازه احداث، بدنه های بازسازی شده محلات، سایر (پانزده خرداد، بازار، عامری ها، سنگلج، ناصر خسرو)	ساختمان های نوساز، میدان امام حسین، سایر (پیاده راه هفده شهریور، ناصر خسرو، عودلاجان، خانه پیرنیا، لاله زار، پانزده خرداد)	عناصر موجود بدون هویت	۹
عدم توجه به میراث فرهنگی، پلان متفاوت، نمای متفاوت	عدم توجه به ارتفاع، سایر (عدم توجه به الگوی ایرانی اسلامی، عدم توجه به قدمت و معماری سنتی)	نمای متفاوت، عدم توجه به ویژگی سنتی و اسلامی ایرانی بودن و ابعاد فرهنگی، عدم همخوانی و تفاوت با بافت قدیم)	ویژگی متفاوت کننده این عناصر	۹-۱
وزارت خارجه مجموعه سپهسالار، سایر (سنگلج، شمس العماره، مجلس، امامزاده یحیی، سفارتخانه های میدان فردوسی، میدان امام، ساختمان پست، بازار تهران)	سردر باغ ملی، کاخ گلستان، مجموعه سپهسالار، سایر (دارلننون، تکیه دولت، بناهای تاریخی، میدان امام حسین، بهارستان، وزارت خارجه)	مجلس، مسجد امام، موزه پست، میدان امام، سایر (میدان مشق، شمس العماره، بازار، ارگ ملی، سردر باغ ملی، وزارت خارجه)	مکان های دارای ارزش ملی و بین المللی	۱۰
سایر (دروازه شمیران، عرب دختر، کاروانسرای خانات)	سایر (دروازه دولت، صابون پژ خانه، سرقبر آقا، میدان بهارستان)	محله هرنودی، سایر (بازار، دروازه غار، عودلاجان، امامزاده یحیی، میدان امام، دروازه های تخریب شده)	مکان های دارای ارزش محلی	۱۱
۸۵٪ به مذهبی بودن مردم منطقه اعتقاد دارند. ۷۰٪ معتقدند مردم سایر مناطق تهران ساکنین منطقه ۱۲ را مذهبی تر می دانند. ۱۵٪ معتقدند مردم سایر مناطق تهران ساکنین منطقه ۱۲ را مذهبی تر نمی دانند.			اعتقاد به سکونت قشر مذهبی	۱۲-۱
سایر (مسجد مطهری، گذرهای تاریخی، بازار، ارگ و امامزاده یحیی، خ خراسان، خ زیبا، خ ایران، بلوار قیام، خ ری، حوزه های علمیه	خ زیبا، سایر (خ ایران، مجلس، آب منگل، ژاله، شهباز، خورشید، آبشار، خراسان، محله قیام، مسجد ارگ، خ مجاهدین، حوزه های علمیه و حسینیه ها)	خ ایران، مساجد (مطهری، ارگ) و حسینیه ها (بازار) و حوزه های علمیه، سایر (امامزاده یحیی، محله ژاله، آبشار، آب منگل، خراسان، شهباز، خورشید، محله قیام)	اولویت های مکانی عناصر هویت مذهبی	۱۲-۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۲۲۳



نمودار ۱. اولویت بندی شاخصه های هویتی بخش مرکزی تهران از دیدگاه اهالی؛ ماخذ: نگارندگان.

می گردد. برای بررسی بیشتر حساسیت شهروندان بخش مرکزی تهران نسبت به عناصر هویت بخش با استفاده از رویکرد طبقه بندی LULC می توان به تشخیص مناسب تری در تأیید یا رد فرضیه رسید. همانگونه که در تأیید فرض اول مشاهده شد شهروندان منطقه ۱۲ تهران قادر به تمایز عناصر هویت بخش به منطقه خود بوده و این عناصر را احراز کردند. لکن تأکید بر وجود ذهنیت اعم از خاطره از عناصری است که به شکل گیری ذهنیت افراد ساکن کمک می کند. از بین رفتن خاطرات جمعی ناشی از تهیه و اجرای طرح های توسعه و نیز بهسازی بافت های فرسوده از جمله مهم ترین عواملی است که در تأیید یا رد این فرض می تواند تأثیر گذار باشد. لذا در این فرضیه شهروندان غالباً عناصر شاخص از دیدگاه خودشان و نیز دلیل انتخاب آنها ذکر کرده اند. عناصری که به عنوان محله معرفی کرده که در این میان بازار با ۵۵٪ بیشترین توجه را به خود داشته و در بناهای ارزش مند کاخ گلستان و شمس العماره با ۲۳٪ و ۲۱٪ به ترتیب در اولویت های بعدی هستند. ضمن آنکه گذرهای ارزشمند منطقه پانزده خرداد، گذر مروی، لوطی صالح از اولیت بسیار بیشتری نسبت به بقیه برخوردار است. این در حالی است که در موضوع غرور آفرینی (عناصری که هویت فرمانطقه ای، ملی

شوندگان هر کدام تحولات ناشی از حضور گروه مورد نظر خود را بر بافت محله چشمگیرتر از سایر گروه های اجتماعی ارائه دهند. بطور مثال آرامنه محله فردوسی تأثیر این گروه را بر بافت محله خود بیشتر از مسلمانان می دانند و وقتی از ایشان سؤال می کنیم که تأثیر چه عناصر کالبدی را در هویت منظر محله موثر تر می دانید؟ آنها به کلیساها و مراکز مذهبی و آرامنه ساکن در محله خود اشاره می کنند. این در حالیست که شهروندان محله آبشار، حسینییه ها و هیأت های مذهبی و حضور اقدار مذهبی را به عنوان عناصر موثر تر بر هویت محله خود می دانند و ساکنین محله بازار مجموعه های تجاری و بازاریان را تأثیر گذار تر از بقیه به حساب می آورند. لکن در مجموع بر اساس آنچه در نمودار زیر مشاهده می شود اهالی محله های مختلف بخش مرکزی میزان تأثیر گروه های اجتماعی بر بافت را با درجات متعددی ابراز می دارند.

پس در تأیید این فرضیه می توان گفت که عناصری در این منطقه وجود دارند که هم شهروندان آنها را شناسائی می کنند و هم پذیرفته اند که این عناصر با طیف و درجه های متفاوت بر روند شکل گیری منطقه و محله تأثیر گذارند. از آنجائی که منظر نوعی حالت واکنش عاطفی و به مثابه محرکی جهت برانگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی



نمودار ۲. میزان حساسیت ساکنین به عناصر هویت بخش منطقه ۱۲؛ ماخذ: نگارندگان.

تهران علی‌رغم گذشت دهه‌ها از زمان شکل‌گیری هسته مرکزی و تأثیراتی که مهاجرت، فن‌آوری و اقتصاد در بافت اجتماعی و کالبدی این بخش برجای گذاشته همچنان متأثر از گروه‌های اجتماعی بجای مانده از گذشته است و شهروندان ترجیح می‌دهند تا الگوهای سنتی در توسعه کالبدی بخش مرکزی تهران برای توسعه آتی این منطقه به کار گرفته شوند تا هویت و اصالت گذشته حفظ گردیده و ارتقاء یابد.

علیرغم وجود شاخص‌های هویت بخش به شهر اسلامی- ایرانی در عناصر منظر شهری بخش مرکزی تهران در گذشته، مدیریت شهری فعلی به تهیه، ابلاغ و صدور سند، دستورالعمل و بخشنامه اکتفا نموده و اقدامات صورت گرفته تحت تأثیر طرح‌های وارداتی در معماری و عملکرد گرائی و استاندارد سازی شهری قرار گرفته اند این در حالیست که بررسی‌ها حاکی از افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتاری (ناامنی و ازدحام) در بخش مرکزی تهران است.

در رده بندی حساسیت شهروندان نسبت به عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران عناصر تاریخی، عناصر اقتصادی و عناصر مذهبی در اولویت‌های اول تا سوم قرار می‌گیرند. در درجه اول، غرورآفرینی عناصر ناشی از تاریخ و نوع معماری عنصر است که قابلیت معرفی در سطح بین‌المللی و ملی را دارد. عناصر اقتصادی نیز دارای حساسیت

و بین‌المللی دارد) عناصر هویت بخش به هر محله بازار با بیشترین اولویت را به خود اختصاص داده و پس از آن موزه‌ها، کاخ موزه‌ها، مساجد جامع و بازار در رده‌های بعدی هستند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

منظر پاسخ شهروندان به شرایط موجود است و بیانگر تفاوت‌ها و هماهنگی‌های بین محیط از یک طرف و ذهنیات و تعلقات جامعه از طرف دیگر می‌باشد. هر بیننده اعم از اینکه شخص یا گروه اجتماعی ساکن (یا غیر ساکن ولی در ارتباط با محیط مورد مطالعه) در محدوده جغرافیایی (خانه، محله، منطقه و شهر) باشد. بامشاهده مکان، تأثیرات خاصی در او ایجاد می‌شود. این تأثیر به نوع ارتباط این گروه (ساکن، بهره‌بردار، رهگذر، متخصص)، سطح جغرافیایی ارتباط و ویژگی فردی و اجتماعی (تحصیلات، شغل و اقتصادی، عوامل اجتماعی و مذهبی) بستگی داشته و باعث می‌شود تا فرد یا اجتماع دست به ارزیابی، اولویت بندی، ارزش گذاری و انتخاب بزند. شهروندان در مرحله اول ویژگی‌های هویت بخش به منظر شهر را به دو دسته ویژگی‌های ارزش بخش مثبت و ضد ارزش منفی تقسیم بندی می‌کنند و به تبع این تقسیم بندی اویت‌ها ارزش گذاری می‌شود. مهم‌ترین ارزش‌های مثبت از دیدگاه شهروندان حفظ و توسعه الگوهای کالبدی و اجتماعی (رفتاری) بجای مانده از گذشته است. ساختار اجتماعی ساکنین مستقر در بخش مرکزی

Georgia butina Watson & lanbet ley, identity by design , axford , 2007

Lalli, M. (1992); "Urban related identity: theory, measurement and empirical Findings". Journal of Environmetal Psychology, No.12, pp:285-30

در سطح ملی و فرامنطقه ای بوده و عناصر مذهبی دارای حساسیت در سطح فرامنطقه ای، منطقه ای و محلی است.

منابع و ماخذ

حسینی، سید باقر (۱۳۸۷) حرکت و زمان در منظر شهری، انگاره ها و مفاهیم طراحی، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی، جلد ۱۹. ذکاو، کامران (۱۳۸۵) چهارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر، آبادی سال شانزدهم، شماره ۵۳ طیبیان، منوچهر (۱۳۸۵) دستورالعمل ارزیابی منظر و آثار بصری، دانشگاه تهران.

سلیمی، اسماعیل (۱۳۸۷) چهارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی .

سیف الدینی، فرانک (۱۳۹۱) منظر شهری، نشر آبیژ.

شهرداری منطقه ۱۲ (۱۳۹۰) معاونت معماری و شهرسازی، گزارش فهرست ابنیه تاریخی.

دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۳) هویت فضاهای عمومی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

گرجی، عبدالله خان (۱۳۸۵) سیمای شهر بعد رها شده سیاستهای شهری ایران، فصلنامه شهرسازی

معماری، آبادی، شماره ۱۸.

گلکار، کورش (۱۳۸۷) تئوری های طراحی شهری، تحلیل گونه شناختی تئوریها، مجله صفا، شماره ۲۹.

گلکار، کورش (۱۳۸۵) مفهوم منظر شهری، مجله آبادی سال شانزدهم، شماره ۵۳، زمستان، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

محمودی، سیدامیرسعید (۱۳۸۵) منظر شهری، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۵۳

Choay, F (1969); "Urbanism and Semiology", in Meanign in Architecture by Charles Janckes, London.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۲۲۶